

### متن پرسش

سؤال اعتقادی: با سلام: خواهش و التماس می کنم حتما بطور کامل جوابم را بدهید. از طرفی ادعا داریم قرآن مخزن اسرار الهی و اقیانوس علوم و اسرار و حاوی هر آنچه سعادت بشر در آن است می باشد و هیچ منبع و سندی معتبرتر و جامعتر از آن نیست، ولی سؤال اینجاست که از طرف دیگر اعتقاد داریم ۱۴ معصوم قرآن ناطق اند، وصل به خزائن علم الهی اند و حامل علم غیب اند و به اذن خداوند دانشمندترین دانشمندانند و از طرفی برخی ایشان باقر العلوم بودند و برخی دیگر دانشمند پرور (امام صادق و رضا و جواد علیهما سلام) پس چرا برخی یا حتی فقط یکی از این اسرار و علوم توسط ایشان ابراز نشده تا آنرا سند محکمی کنیم برای اعجاز قرآن و بزرگی امامانمان؟ با توجه به اینکه یکی از ایشان هنوز زنده است و می تواند به امر خدا ارتباط داشته باشد. می دانم می خواهید بگویید قرآن کتاب فیزیک و شیمی و نجوم نیست پس ادعا نکنیم (لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین. بخشید آیه را درست بلد نیستم و پوزش می طلبم اشتباه نوشتم) می دانم می خواهید بگویید بشر ظرفیت ابراز این علوم را نداشته اند. اکنون چه؟؟؟ دانشمندان و اندیشمندان بزرگ بشر هستند و امام عصر زنده و حاضر در ثانی در زمان امام صادق که دانشمندان بزرگ بوده اند. ببینید آیا حق ندارم این را بدانم چرا با وجود معجزه بزرگ پیامبر (ص) و وجود چهارده قرآن ناطق یکی از این حقایق و اسرار برملا نشده است؟؟؟؟ اگر شده است دقیقاً اشاره کنید و آدرس دهید و بگویید چرا آن را برای اثبات حقانیت قرآن و امامان برملا نکرده اید؟؟؟ اساتید عزیز به پروردگار بزرگ سوگند هدفم از این سؤال رفع شبهه ای است که دیوانه ام کرده و مرا به شک انداخته و پاسخ شما می تواند یک مسلمان (بلکه هزاران نفر دیگر که با این شبهه آلوده شده اند) را نجات دهد. از محضر استادان عذر می خواهم ولی چون بسرم آمده ناچارم خودم قبلاً آنرا بگویم در پاسخ این سؤال بسیاری سایت ها و افراد اینگونه شروع می کنند و جالب اینکه با این شروع تا به آخر بیراهه رفته و نهایتاً پاسخ نم یدهند: «۱ - تا منظور شما از علم و علوم چه باشد در قرآن علوم بسیاری... ۲ □ قرآن کتاب انسان سازی و هدایت است و... ۳ □ ظرف عقل ما نسبت به عظمت قرآن خیلی کوچک است و گنجایش ... ۴ □ اسرار و علوم قرآن بصورت نهفته و نیاز به تحقیق و تفحص داشته و تا وقتی بشر لیاقت فهم و درک آنها را نداشته باشد ... ۵ - چرا می گوید اسرار قرآن توسط معصومین گفته نشده مگر توحید مفضل... یا جلسات مناظره امام با دانشمند هندی ... و یا جلسات امام جواد کودک با علماء ... غیر از روشن کردن اسرار و علوم قرآنی است و.....». استاد عزیز اگرچه همه پاسخهای بالا در خور توجه است ولی در پاسخ به سؤال من، توجیهی بیش نیست. خواهشاً و لطفاً التماس این حقیر را پاسخ دهید و بدون حاشیه و

توضیح واضحات رک و پوست کنده دقیقاً آن اسرار و علمی که توسط امامان بیان شده و یا غیر امامان و معصومین از روی آیات قرآن کشف کرده و به بشریت اعلام کرده اند را دقیقاً شرح دهید. استاد عزیز می دانم که چنین چیزی نیست چون اگر بود در سؤال از ده مرکز پاسخگویی و اساتید بزرگی چون انصاریان و ... حتماً به آن اشاره می کردند پس اگر اینگونه است آیا بهتر نیست ادعای خود از قرآن و امامان را به گونه ای دیگر بیان کنیم. خلاصه سؤال: اگر مدعی هستیم در قرآن اسرار و علوم از ازل تا ابد هستی وجود دارد و از طرف دیگر مدعی هستیم امامان و معصومین قرآن ناطق اند و علم الهی دارند و متصل به خزانه علم خداوند هستند و با توجه به حی و حاضر و زنده بودن یکی از ایشان چرا بخش کوچکی از این اسرار و علوم را برای اثبات حقانیت قرآن و وجود مبارک خودشان آشکار نکرده اند؟؟؟ اگر شده است لطفاً دقیقاً آنرا بیان فرمایید.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: فکر می‌کنم منظورتان از اسراری که باید ائمه «علیهم‌السلام» از قرآن به ما برسانند اخبار غیبی نیست، زیرا تاریخ گواه است که آن‌ها خبرهایی از آینده داده‌اند که بعداً عیناً محقق شده و مرحوم شیخ عباس قمی نمونه‌هایی از آن‌ها را در کتاب «منتهی‌الآمال» برای هر امامی آورده‌اند. پس منظورتان از اسرار. قواعد کلی است که بتوانیم در فضای آن قواعد در راه جلو برویم و نه قواعد تجربی که با تماس با طبیعت به دست می‌آوریم. به عنوان مثال حضرت فرمودند: از هشام بن سالم آمده است که؛ خَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فَقَالَ لِي أَتَنْعَتُ اللَّهَ؟ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ هَاتِي. فَقُلْتُ: هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ. قَالَ: هَذِهِ صِفَةٌ يَشْتَرِكُ فِيهَا الْمَخْلُوقُونَ. قُلْتُ: فَكَيْفَ نَنْعَتُهُ؟ فَقَالَ هُوَ نُورٌ لَا ظِلْمَةَ فِيهِ، وَ حَيَاةٌ لَا مَوْتَ فِيهِ، وَ عِلْمٌ لَا جَهْلَ فِيهِ، وَ حَقٌّ لَا بَاطِلَ فِيهِ، فَخَرَجْتُ مِنْ عِنْدِهِ وَ أَنَا أَعْلَمُ النَّاسِ بِالتَّوْحِيدِ. [1] در محضر حضرت صادق (ع) وارد شدم، از من پرسیدند آیا متوانی خدا را وصف کنی؟ عرض کردم بلی، فرمودند: وصف کن، گفتم: او سمیع است و بصیر. فرمودند: اینکه صفتی است مشترک بین خدا و مخلوقات او. عرض کردم چگونه او را وصف کنم؟ فرمودند: او نوری است که ظلمتی در او نیست و حیاتی است که مرگی در او نیست و علمی است که جهلی در او نیست. هشامبنسالم مگوید در حالی از محضر آن حضرت خارج شدم که عالمترین مردم به توحید بودم.

حضرت مفرمایند؛ بگو او نور است، یا بگو او حیات است، نه این که او چیزی است که حیات دارد و معنی توجه به ذات همین است که قلب متوجه «عین حیات» و «عین علم» و «عین نور» شود و از این طریق مصداق نور و علم و حیات را شهود کند. ملاحظه می‌فرمایید که امام چگونه ذهن طرف مقابل را متوجه حقیقتی کردند که با تعمق در قرآن به دست می‌آید. زیرا قرآن می‌فرماید: «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» خداوند مثل هیچ چیزی نیست و حضرت معنای آن را نشان دادند. بنابراین ما باید متوجه باشیم جایگاه ائمه اطهار «علیهم‌السلام» در ارائه اسرار قرآن از همان سنخ قرآن باید باشد و راز زندگی متعالی را به ما گوشزد کنند تا مثل وهابی‌های سعودی به اسم قرآن کارمان به بیراهه کشیده نشود.

---

[1] (1) «بحارالانوار»، ج 4، ص 70-«توحيد صدوق»، ص 137.